

بررسی عوامل موثر بر نگرش جنسیتی در ورزش همگانی

زهره محمدی^۱، افسانه توسلی*^۲، مظفرالدین شهبازی^۳

تاریخ دریافت: ۰۱/۳/۲۱، تاریخ تایید: ۰۱/۱۱/۱۱

DOI: [10.22034/JCSC.2023.0505070.2581](https://doi.org/10.22034/JCSC.2023.0505070.2581)

چکیده

با توجه به اهمیت حفظ سلامت افراد جامعه، رواج ورزش همگانی می‌تواند در این زمینه کمک کننده باشد. به همین دلیل پژوهش حاضر در پی بررسی عوامل موثر بر نگرش جنسیتی در ورزش همگانی است. این پژوهش، با رویکرد کمی و روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری را زنان شهر تهران تشکیل می‌دهند که در پارک‌ها و باشگاه‌های ورزشی مناطق شمال، غرب، شرق، جنوب و مرکز به ورزش همگانی مشغول بوده‌اند. بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، مناطق تهران به ۵ منطقه تقسیم شدند. با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، AMOS مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد میان پیگیری برنامه‌های ورزشی در رسانه و نگرش جنسیتی به ورزش رابطه معناداری با $(r=0.104)$ وجود دارد. همچنین میان سطح توسعه فرهنگی منطقه و نگرش جنسیتی به ورزش رابطه معناداری با $(r=-0.312)$ در جهت معکوس وجود دارد. رابطه میان درآمد خانواده و نگرش جنسیتی به ورزش نیز با $(r=-0.255)$ رابطه معنادار و معکوس است. رابطه میان سطح تحصیلات و نگرش جنسیتی به ورزش نیز با $(r=-0.219)$ یک رابطه معنادار و معکوس است. رابطه‌های موجود در سطح معناداری کمتر از $(sig \leq 0.05)$ قابل پذیرش هستند. در بررسی تحلیل مسیر نشان داده شد متغیر درآمد خانواده بیشترین تأثیرات کاهشی را با ضریب بتای استاندارد -0.192 بر نگرش جنسیتی به ورزش داشته است. شناخت تأثیر متغیرهای خاص در این نوع نگرش می‌تواند در کاهش نگرش جنسیتی به ورزش موثر بوده و ارتقای ورزش همگانی را سبب شود.

واژگان کلیدی: نگرش جنسیتی، ورزش همگانی، رسانه، حمایت خانواده، توسعه فرهنگی

^۱ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Zohrehmohammadi39@yahoo.com

^۲ عضو هیات علمی گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

afaneh_tavassoli@alzahra.ac.ir

^۳ عضو هیات علمی، گروه جامعه‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

Mshahbazi77@yahoo.com

مقاله حاضر مستخرج شده از رساله دکتری خانم زهره محمدی می‌باشد.

مقدمه

افزایش مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی یک هدف مهم بهداشتی در کشورهای توسعه یافته است (Eime, 2015). یکی از مهمترین فعالیتهایی که در اوقات فراغت، افراد می توانند به آن بپردازند، فعالیت های ورزش همگانی می باشد. ورزش همگانی با هدف افزایش مشارکت تمامی گروه ها، تقویت ورزش قهرمانی، پر کردن اوقات فراغت و تفریحات سالم و ورزش تفریحی پایه گذاری شده است. دولت ها برای دستیابی به این هدف، اقدام به فراهم کردن امکاناتی کرده اند که در دسترس همه شهروندان باشد تا بتوانند به راحتی ورزش کنند. امکاناتی در دسترس شهروندان قرار می گیرد که غیررسمی و منعطف است و به این دلیل نسبت به فضا و امکانات رسمی و سازمان یافته (باشگاهها) سرعت عمل بیشتری دارد و افراد بیشتری را با خود همراه می کند (Borgers J, 2016) که با نام ورزش همگانی یا عمومی شناخته می شود. ورزش همگانی به عنوان یکی از پدیده های جامعه مدرن، همواره مورد تقاضای شهروندان بوده است. دولت ها و موسسات عمومی نیز برای برآورده کردن این تقاضاها به عنوان حقوق شهروندی، امکانات متناسبی را عرضه می کنند. در ایران احداث ایستگاه های ورزش همگانی در شهرهای بزرگ و کوچک برای پاسخ به این خواست یا ایجاد چنین تقاضایی است.

سلامتی، شرطی ضروری برای ایفای نقش های اجتماعی است. زندگی در دنیای امروز ابتکار عمل سریع را از انسان گرفته و او را دچار فقر حرکتی کرده و این عدم تحرک مشکلات بسیار جسمی، روانی و اجتماعی را برای وی پدید آورده است. در این میان زنان با ساختار بدنی منحصر به فرد و جایگاه اجتماعی ویژه بیش تر در معرض آسیب های ناشی از این بی حرکتی قرار دارند. ورزش به عنوان راه حل راهبردی و ورزش همگانی به عنوان وسیله ای ارزان قیمت و فرح بخش می تواند این مشکل را حل کند (ممتازبخش وهمکاران، ۱۳۸۶). تحقیقات در زمینه ورزش های همگانی حاکی از ضعف رویکرد مردم به ورزش های همگانی است و بدیهی است یکی از ریشه های اصلی این ضعف عدم شناخت نیازهای شهروندان در زمینه ورزش های همگانی و عدم تناسب امکانات و خدمات موجود با نیازهای آنان است. پژوهشی که توسط مظفری و قره (۱۳۸۴) انجام شده نشان داده که درصد افرادی که در ایران تحت پوشش هیات های ورزش همگانی آقایان و بانوان ورزش می کنند تنها ۹ درصد جمعیت را شامل می شود که در مقایسه با ۲۱ کشور جهان از سایر کشورها کمتر است. در مورد زمان تشکیل سازمان رسمی برای ورزش های همگانی، ایران در مقایسه با ۲۲ کشور جهان در ردیف آخر قرار دارد.

ورزش و فعالیت های ورزشی جزئی از فرهنگ هر ملت است. دختران و زنان بیش از نیمی از جمعیت هر کشور را در برمی گیرند، اما متأسفانه تاکنون، درصد حضور زنان در فعالیت های ورزشی هم چنان در بین کشورهای مختلف، متفاوت است. در تمام کشورها زنان از نظر تعداد، کمتر از نیمی از مردان و پسران در فعالیت های ورزشی شرکت می کنند. پالم و ولفیانگ^۱ (۲۰۰۰) اظهار داشته اند که در بیشتر جوامع، زنان از فرصت برابری برای شرکت در فعالیت های

^۱ Palm & Wolfyang

ورزشی محروم هستند و جالب این است که اختلاف موجود در شکل قوانین فرهنگی ارائه می شود. حضور بانوان در فعالیت های ورزشی و تربیت بدنی، ضرورتی انکارناپذیر و حیاتی در تأمین سلامت و بهداشت جسم است که با پیشگیری از انواع انحرافات اجتماعی، موجب کاهش هزینه های درمانی و افزایش تولید و بهره وری می شود. ورزش زنان از بارزترین نموده های فرهنگی هر جامعه است که غفلت از آن می تواند نظام فرهنگی جامعه را با مشکل مواجه کند (گلبنی ۱۳۹۴).

جامعه امروزی خواهان جهانی توأم با برابری است و در عین حال که ارزش گذاری افراد و تفاوت ها رعایت می شود اما نابرابری به حداقل درجه خود برسد. مهم ترین دغدغه ایی که امروز با آن مواجه هستیم مقابله با شکاف های مداوم در جنسیت، نسل و نژاد است (Vianna, 2021). دیوید و همکاران^۱ (۲۰۱۱) تأکید می کنند که رویکردهایی که هنوز بر کمبود مشارکت زنان متمرکز شده اند، با برداشت های غلط معرفتی، تحلیلی، مفهومی و سیاسی همچنان پابرجا هستند. کوکولاکیس و هالام^۲ (۲۰۱۱) در تحقیق نشان دادند که سطح تحصیلات بالا، شغل و حرفه، سن جوان تر و مرد بودن با مشارکت بیشتر در ورزش مرتبط بود. ترولان^۳ (۲۰۱۳) با تحلیل محتوای تصاویر کلیشه ای زنان ورزشکار، به زبان و تفاسیری که چارچوبی برای جنسی سازی، بی اهمیت دانستن و تنزل توانایی ها و دستاوردهای ورزشی زنان را فراهم ساخته، پرداخته است. این تنزل در تمام ورزش ها به چشم می خورد. بنابراین رسانه ها پوشش دهی مغرضانه دارند زیرا فرض بر این است که مصرف کنندگان آنها مردان هستند. نظری آزاد و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی نابرابری جنسیتی در ورزش از دیدگاه ورزشکاران قهرمان ملی دریافتند متغیرهای پایگاه اجتماعی- اقتصادی، ارزشها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، تحصیلات زنان و استفاده از رسانه ها، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر نابرابری جنسیتی در ورزش زنان داشته است. باندورا در نظریه یادگیری اجتماعی بر ارتباط سه گانه بین فرد و رفتار و محیط از طریق فرایند التزام یا علیت متقابل تأکید می کند، گرچه فرایند یادگیری در دو محیط فیزیکی (جنبه های مادی میدان رفتار) و اجتماعی (حضور واقعی یا خیالی دیگران و یا مشارکت آنان در زمان یادگیری) رخ می دهد، با این حال به نظر می رسد محیط اجتماعی اهمیت ویژه ای دارد. یکی از کاربردهای نظریه یادگیری اجتماعی، توضیح علل تفاوت های جنسیتی در نگرش و رفتار است. این نظریه تأکید بسیار زیادی بر نقش عوامل محیطی در یادگیری نگرش ها و رفتارها دارد (ریاحی، ۱۳۹۰). همان طور که توسلی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی هویت جنسی در ورزش حرفه ایی دریافتند از دیدگاه ورزش حرفه ای نوع ورزش کنونی در جهان و همچنین در ایران، بر مبنای دیدگاه مردانه و پدرسالاری تعریف شده است و نوع بازی، برد و باخت در میدان های ورزشی برگرفته از خواسته های تبعیض آمیز جنسیتی است که نیروی بیشتر و قهرمانی را مدنظر دارد، و نیاز است برای رسیدن به تعادل بیشتر از تفکرات مردسالارانه به هماهنگی و تعادل رسید. سندرا بم^۴ در خصوص نقش پذیری جنسیتی و تشکیل کلیشه های

^۱ Devide FP

^۲ Kokolakis & Hallam

^۳ Trolan

^۴ Sandra Bem

جنسیتی مبتنی بر جنس در افراد معتقد است: کودکان در یادگیری نقش‌های جنسیتی فعال هستند، آن‌ها مقوله‌های شناختی موجود در جامعه را برای جنسیت شکل می‌دهند و سپس دانش جنسیتی مربوطه را درباره این مقوله بدست می‌آورند. بـم استـدلـال می‌کـند نقش پذیري جنسیتی به واسطه فرایند یادگیری تدریجی تشکیل و طرح واره های جنسیتی اتفاق می‌افتند، وی نقش مهمی برای فرهنگ در تشکیل طرح واره های جنسیتی قائل است (نبوی واحمدی، ۱۳۸۶). بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، پسران قوی و اهل ورزش‌های قهرمانی هستند و دختران ضعیف و اهل بازی‌های دخترانه هستند. (محبی، ۱۳۹۵). از دهه ۱۹۹۰، فعالان ورزشی در پی جستجوی راه حل، تامل بر اقدامات دموکراتیک و فراگیرتر ورزشی را شروع کردند. مطالعاتی با مقولات جنسیتی انجام شده است، که نشان می‌دهد هژمونی مردان در ورزش همچنان تداوم دارد. و این نابرابری در دستمزد، امتیازات، نوع مسابقات و امکانات خود را نشان می‌دهد (Vianna, ۲۰۲۱). به گفته بورگس^۱ و همکاران (۲۰۱۸) تفاوت‌ها در مشارکت ورزشی را می‌توان به عنوان یک موضوع نهادی دانست که با فرآیندهای تغییر فرهنگی و اجتماعی و تغییر ارزش‌ها، عادات و نگرش‌های شرکت کنندگان در ورزش مرتبط است. دلیلین^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز بیان داشته‌اند متغیرهای انگیزشی برای مشارکت ورزشی بین افراد در طبقات و گروه‌های مختلف متفاوت است. این نشان می‌دهد که موقعیت‌های مشارکت کنندگان با انگیزه‌ها و اهدافشان برای مشارکت ورزش تناسب دارد.

نتایج تحقیقات نشان داده است؛ مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی-اجتماعی نیز در گرایش زنان به فعالیت ورزشی دخیل هستند. کلیشه‌های جنسیتی با این عنوان که "زن موجودی ضعیف و ناتوان است"، "فیزیولوژی زن مناسب ورزش نمی‌باشد" و زنان باید به کارهای خانه برسند"، از جمله موانع اجتماعی بشمار می‌آید. از سویی دیگر یادگیری نقش‌های جنسیتی، وجود ساختار قدرت و تقسیم کار نابرابر در جوامع، تعریف نقش‌های زن و مرد در جامعه براساس ساختار مردسالارانه و برتری مردان در دست‌یابی به قدرت و منزلت از جمله عوامل جامعه شناختی مؤثر بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی است (خان محمدی، ۱۳۹۶). نوذری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی از دیدگاه کارشناسان ورزشی عوامل مؤثر بر بهبود رفتار بانوان در ورزش همگانی را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد جهت بهبود رفتار مطلوب اجتماعی زنان با تاکید بر ورزش همگانی، عوامل انگیزشی، احساسی، اجتماعی، فردی، دانشی و فرهنگی به صورت معناداری تأثیرگذار می‌باشند. در این بین عوامل دانشی بیشترین تأثیر را می‌گذارد. در این راستا و در جهت شناخت عوامل جامعه شناختی مؤثر بر نگرش جنسیتی به ورزش و به تبع آن عدم مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، پژوهش حاضر از دیدگاه خود کنشگران یعنی زنان در پی پاسخ به این سوالات است که نقش رسانه‌های جمعی در نگرش جنسیتی به ورزش همگانی چیست؟ نقش حمایت خانواده و دوستان در نگرش جنسیتی به ورزش همگانی چیست؟ متغیرهای زمینه چه نقشی در ایجاد نگرش جنسیتی به ورزش همگانی دارد؟

^۱ Borgers

^۲ Deelen

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های پیمایشی می باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت میدانی است. این پژوهش با توجه به نتایج مرتبط با عوامل موثر بر برنامه ریزی دقیق تر برای ورزش زنان از نوع کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق شامل زنان شهر تهران است که در پارکها و باشگاه‌های ورزشی مناطق شمال، غرب، شرق، جنوب و مرکز به ورزش همگانی مشغول بودند. طبق سرشماری مرکز آمار ایران جامعه آماری ۶۵۹۳۹۶۵ نفر برآورد شده است. با توجه به بزرگ بودن جامعه آماری از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. با استفاده از این روش، مناطق تهران را به ۵ منطقه، شمال، مناطق ۱ و ۳ (پارک ملت و باشگاه ورزشی بانوان پارک نیاوران) غرب، مناطق ۲۲ و ۵ (پارک دریاچه چیتگر و باشگاه ورزشی خادم) شرق، مناطق ۸ و ۱۳ (پارک فدک و باشگاه ورزشی الزهرا) مرکز، مناطق ۶ و ۱۱ (پارک لاله و باشگاه ورزشی فاطمه الزهرا) جنوب، مناطق ۱۹ و ۱۵ (پارک ولایت و باشگاه الزهرا ۴۰) تقسیم شدند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه شد که ۳۸۴ نفر بودند. با توجه به میدانی بودن پژوهش از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش حاضر شامل ۷۳ سوال است، که طی ۸ سوال متغیرهای زمینه‌ای و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد را سنجیده است، با ۳۳ سوال متغیرهای (نوع رسانه مورد استفاده، مدت زمان ورزش کردن، ورزش مورد علاقه، نحوه دسترسی و کیفیت اماکن ورزشی، حمایت خانواده و دوستان) سنجش شدند، ۲۴ سوال متغیر رسانه‌های جمعی (اطلاع رسانی، آموزش، فرهنگ‌سازی، مشارکت اجتماعی، مدیریت شخصی بر بدن) و در نهایت سوالاتی برای سنجش نگرش جنسیتی افراد نسبت به ورزش زنان پرسیده شد.

برای بررسی اعتبار سازه (روایی همگرایی) ابزار اندازه‌گیری یعنی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است و برای اعتبار محتوایی نیز از تایید اساتید راهنمای مشاور و کارشناسان استفاده شده است. در ضمن پرسشنامه ابتدا در بین ۳۰ نفر از پاسخگویان بصورت تصادفی توزیع و برخی از سوالاتی که در آنها ابهاماتی دیده شد اصلاح گردید. لذا می توان پذیرفت پرسشنامه دارای اعتبار صوری نیز می‌باشد. پایایی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) قابل مشاهده است. همانطور که جدول نشان می‌دهد ضریب آلفای بدست آمده برای همه متغیرها بالای ۰/۷ است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت پرسشنامه از پایایی لازم و مطلوبی برخوردار است.

جدول (۱) آزمون پایایی متغیرهای تحقیق

گویه های	ضریب آلفای کرونباخ
متغیر نگرش جنسیتی	۰/۷۰۹
متغیر حمایت و همراهی خانواده و دوستان	۰/۸۲۵
متغیر پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه	۰/۸۸۰

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق، با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری متغیرها روشها و تکنیکهای مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار استفاده شده است. برای آمارهای استنباطی نیز از آزمونهای رابطه سنجی پیرسون و اسپیرمن استفاده شده است. همچنین برای بررسی دقیق تر روابط بین متغیرها از تحلیل مسیر نیز استفاده شده است. در تنظیم اطلاعات و داده‌ها و عرضه آنها در فرم اطلاعات آماری، متداول‌ترین ابزار و تکنیک‌های موجود در مجموعه آماری علوم اجتماعی (SPSS نسخه ۲۰) و نرم افزار (AMOS) استفاده شده است.

یافته های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای غیر زمینه‌ای تحقیق حاکی از آن بود که از نظر متغیر سن، پاسخگویان در رده سنی بین ۱۸ تا ۶۹ سال قرار داشته و میانگین سنی پاسخگویان ۳۶ سال می‌باشد. توزیع فراوانی جمعیتی افراد نمونه بر اساس تحصیلات نشان داد تقریباً نیمی از افراد نمونه سطح تحصیلاتشان کارشناسی است ۱۳/۴ درصد بالاتر از کارشناسی و ۲۶/۲ درصد پایین‌تر از کارشناسی است. از نظر سطح توسعه فرهنگی منطقه سکونت، ۲۰ درصد پاسخگویان سطح توسعه فرهنگی منطقه سکونتشان توسعه یافته رو به پایین، ۱۸/۴ درصد میان توسعه یافته، ۱۹/۵ درصد توسعه یافته ۴۲/۱ درصد سطح توسعه فرهنگی منطقه سکونتشان فرا توسعه یافته می‌باشد.

جدول (۲) نتایج آماره‌های توصیفی متغیرهای غیر زمینه‌ای تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین از صد	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
نگرش جنسیتی به ورزش	۲۰	۱۰۰	۳۰/۶۰	۱۵/۰۳	۱/۴۸	۰/۲۴۸
حمایت و همراهی خانواده و دوستان	۲۵	۱۰۰	۴۲/۷۰	۱۸/۵۷	۰/۴۰۹	۰/۲۰۹
پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه	۲۵	۹۰	۶۵/۶	۱۰/۲۷	-۰/۵۰۳	۰/۶۰۰

طبق جدول شماره ۲ تحلیل‌های یک متغیره نشان می‌دهد که میانگین متغیر نگرش جنسیتی به ورزش در بین نمونه آماری از صد ۳۰/۶۰ بوده است و نشانگر این است که نگرش‌های جنسیتی به ورزش در بین پاسخگویان مورد مطالعه در سطح کمتر از متوسط (۵۰) قرار دارد. میانگین متغیر میزان پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه در بین نمونه آماری از صد ۶۵/۶ بوده و میانگین متغیر حمایت و همراهی خانواده و دوستان در بین نمونه آماری از صد ۴۲/۷ بوده است که نشانگر این است که متغیر حمایت خانواده و دوستان در بین پاسخگویان مورد مطالعه در سطح نزدیک به متوسط قرار دارد.

جدول (۳) رابطه بین سن، درآمد، پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه و حمایت دوستان و خانواده با نگرش

جنسیتی به ورزش

حمایت دوستان و خانواده	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه	درآمد خانواده	سن		
-۰/۰۵۴	۰/۱۰۴	-۰/۲۵۵	۰/۰۴۶	ضریب همبستگی پیرسون	نگرش جنسیتی به ورزش
۰/۲۸۸	۰/۰۴۱	./۰۰۰	۰/۳۷۶	سطح معنی‌داری	
۳۸۵	۳۷۰	۳۸۵	۳۷۲	تعداد	

برای سنجش رابطه بین متغیرها با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای هردو متغیر وابسته و مستقل از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در واقع متغیرها پس از جمع شدن ابعاد در بازه ۰ تا ۱۰۰ قرار گرفته و در سطح سنجش فاصله‌ای قرار گرفته اند. طبق جدول شماره ۳ نتایج بررسی نشان داد رابطه معناداری بین سن و نگرش جنسیتی وجود ندارد. اما بین درآمد و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌داری از نوع معکوس با ضریب $-۰/۲۵$ وجود دارد یعنی با بالا رفتن درآمد خانواده افراد، میزان نگرش جنسیتی در آنها با ضریب ۲۵ درصد پایین آمده است که این نتیجه یک همبستگی ضعیف را نمایش می دهد. نتایج همچنین نشان داد رابطه معناداری مستقیمی بین پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه و نگرش جنسیتی به ورزش با ضریب $۰/۱۰$ وجود دارد. این موضوع نشان می دهد برنامه های ورزشی رسانه با بالا بردن و تقویت نگرش های جنسیتی رابطه مستقیم اما ضعیفی دارد و با پیگیری بیشتر برنامه های رسانه، نگرش جنسیتی به ورزش همگانی زنان نیز افزایش می یابد. این موضوعی است که توجه اصحاب رسانه را می طلبد. در مورد رابطه بین حمایت دوستان و خانواده با متغیر نگرش جنسیتی به ورزش رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

جدول (۴) رابطه بین تحصیلات و سطح توسعه فرهنگی منطقه محل سکونت با نگرش جنسیتی به ورزش

سطح توسعه فرهنگی منطقه	تحصیلات		
-۰/۳۱۲	-۰/۲۱۹	ضریب همبستگی اسپرومن	نگرش جنسیتی به ورزش
./۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۳۸۵	۳۷۵	تعداد	

برای بررسی رابطه متغیر تحصیلات و سطح توسعه فرهنگی منطقه با متغیر گرایش به ورزش با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای متغیر وابسته و سطح سنجش طبقه‌ای این دو متغیر مستقل از آزمون همبستگی رو اسپیرمن استفاده شده است. طبق نتایج جدول شماره ۴ نتایج بررسی نشان داده است بین تحصیلات و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌دار ضعیفی از نوع معکوس با ضریب $-۰/۲۱$ وجود دارد یعنی با بالا رفتن تحصیلات افراد میزان نگرش جنسیتی

در آنها با ضریب ۲۱ درصد پایین آمده است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین سطح توسعه فرهنگی منطقه محل سکونت و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌دار متوسطی از نوع معکوس با ضریب ۰/۳۱- وجود دارد.

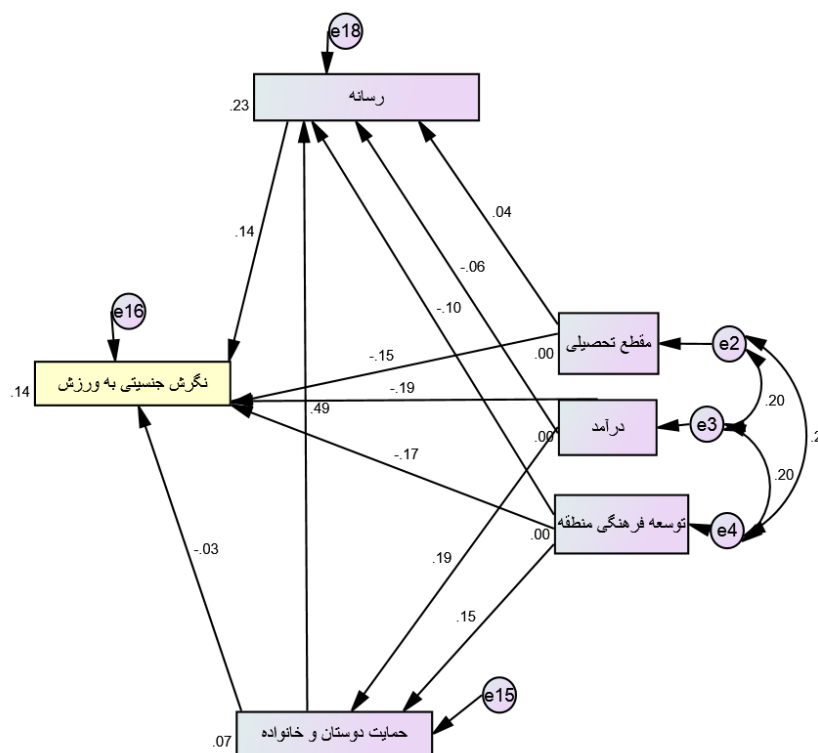
تحلیل مسیر

در این قسمت هدف تحقیق دست یابی به تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد در واقع ما می‌خواهیم به این سؤال دست یابیم که آیا متغیر نگرش جنسیتی به ورزش علاوه بر تأثیرات مستقیم تحت تأثیر تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل می‌باشد؟

جدول شماره (۶) شاخص‌های اصلاح یافته^۱ برازش مدل تحلیل مسیر

برآورد		دامنه پذیرفتنی	شاخص‌ها
۱/۱۰	۱ تا ۵	CMIN/DF	کای اسکوئر نسبی
۰/۹۹	۱ تا ۰/۹۰	NFI	شاخص برازش هنجار شده
۱	۱ تا ۰/۹۰	CFI	شاخص برازش تطبیقی
۰/۰۱۶	کمتر از یا ۰/۰۹	RMSEA	ریشه مربعات خطای برآورد

^۱ مدل اولیه فاقد شاخص‌های برازندگی قابل قبول بود بنابراین با استفاده از دستورالعمل‌ها و پیشنهادات قسمت اصلاحات^۱ به اصلاح مدل پرداختیم و بعد از حذف گویه سن و آزاد کردن خطای اندازه گیری بعضی از گویه‌ها (که در تصویر (۱) مشهود است یعنی خطای بین مقطع تحصیلی و درآمد و سطح توسعه فرهنگی منطقه مسکونی) به پیشنهاد مدل، مدل به شاخص‌های برازندگی قابل قبول رسید



تصویر (۱) مدل نهایی تحلیل مسیر

جدول (۶) تأثیرات استاندارد مستقیم متغیرها

درآمد خانواده	توسعه فرهنگی منطقه	تحصیلات	حمایت خانواده و دوستان	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه	
۰/۱۸۹	۰/۱۴۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	حمایت خانواده و دوستان
-۰/۰۵۸	-۰/۰۹۸	۰/۰۴۴	۰/۴۹۲	۰/۰۰۰	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه
-۰/۱۹۱	-۰/۱۶۹	-۰/۱۴۵	-۰/۰۳۰	۰/۱۴۲	نگرش جنسیتی به ورزش

جدول (۷) تأثیرات استاندارد غیرمستقیم متغیرها

برنامه‌های پیگیری ورزشی رسانه	حمایت خانواده و دوستان	تحصیلات	توسعه فرهنگی منطقه	درآمد خانواده	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	حمایت خانواده و دوستان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۳	۰/۰۹۳	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه
۰/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۰۰۶	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۰	نگرش جنسیتی به ورزش

جدول (۶) نشان می‌دهد متغیر درآمد خانواده با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۹۱- بر متغیر نگرش جنسیتی به ورزش دارای تأثیر معکوس بوده است. متغیر توسعه فرهنگی منطقه محل سکونت با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۶۹- بر متغیر نگرش جنسیتی به ورزش دارای تأثیر معکوس بوده است. متغیر تحصیلات با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۴۵- بر متغیر نگرش جنسیتی به ورزش دارای تأثیر معکوس بوده است. متغیر پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۴۲ بر متغیر نگرش جنسیتی به ورزش دارای تأثیر افزایشی بوده است. در مورد حمایت و همراهی دوستان و خانواده تأثیرات آن بر نگرش جنسیتی معنی‌دار نبوده است. اما این متغیر بر متغیر پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه با ضریب بتای استاندارد ۰/۴۹۲ تأثیرات افزایشی معنی‌دار چشمگیری داشته است. به این معنی که با افزایش حمایت و همراهی خانواده و دوستان پیگیری برنامه‌های ورزشی افزایش یافته است. بنابراین طبق نتایج می‌توان بیان کرد بیشترین تأثیر بر نگرش جنسیتی به ورزش زنان درآمد خانواده است که اثر معکوس دارد و کمترین اثر مربوط به پیگیری برنامه‌های رسانه‌هاست که از نوع افزایشی است. داده‌های جدول (۷) تأثیرات غیرمستقیم متغیرها را نشان می‌دهد که حاکی از آن است که این تأثیرات ناچیز بوده است.

جدول (۸) تأثیرات کلی استاندارد متغیرها

درآمد خانواده	توسعه فرهنگی منطقه	مقطع تحصیلی	حمایت خانواده و دوستان	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه	
۰/۱۸۹	۰/۱۴۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	حمایت خانواده و دوستان

درآمد خانواده	توسعه فرهنگی منطقه	مقطع تحصیلی	حمایت خانواده و دوستان	پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه
۰/۰۳۵	-۰/۰۲۵	۰/۰۴۴	۰/۴۹۲	۰/۰۰۰
-۰/۱۹۲	-۰/۱۷۷	-۰/۱۳۹	۰/۰۴۰	۰/۱۴۲

داده‌های جدول (۸) تأثیرات کلی متغیرها را نشان می‌دهد که بیانگر آن است که متغیر درآمد خانواده بیشترین تأثیرات کاهشی را با ضریب بتای استاندارد ۰/۱۹۲- بر نگرش جنسیتی به ورزش داشته است یعنی بالا رفتن سطح رفاه و درآمد خانواده باعث کاهش نگرش جنسیتی به ورزش گردیده است. سپس به ترتیب متغیرهای توسعه فرهنگی منطقه، پیگیری برنامه‌های ورزشی رسانه و مقطع تحصیلی با ضرایب بتای استاندارد ۰/۱۷۷-، ۰/۱۳۹- و ۰/۱۴۲- بیشترین تأثیرات بر نگرش جنسیتی به ورزش داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی تعیین نقش رسانه‌های جمعی، تعیین نقش حمایت خانواده و دوستان و تعیین نقش متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد، سطح توسعه فرهنگی محل سکونت) در نگرش جنسیتی به ورزش همگانی بوده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد میانگین نگرش جنسیتی به ورزش در بین نمونه آماری از صد ۳۰/۶۰ بوده و نشانگر این است که نگرش‌های جنسیتی به ورزش در بین پاسخگویان مورد مطالعه در سطح کمتر از متوسط (۵۰) قرار دارد. این موضوع به این دلیل است که جامعه آماری مورد مطالعه یعنی زنانی که به ورزش همگانی می‌پردازند، زنانی هستند که یا با کمترین موانع جنسیتی روبه‌رو بوده‌اند و یا از آن موانع رد شده‌اند و هم اکنون در حال انجام انواع ورزش‌ها می‌باشند.

در بررسی فرضیه بدست آمد که بین پیگیری برنامه‌های رسانه و نگرش جنسیتی به ورزش همگانی زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. بدین معنا که افرادی که به رسانه توجه می‌کنند در مورد ورزش زنان نگرش جنسیتی دارند. یا به عبارت دیگر افرادی که نگرش جنسیتی به ورزش زنان دارند پیگیر برنامه‌های رسانه‌ای هستند. نتایج مربوط به رابطه حمایت خانواده و دوستان با نگرش جنسیتی به ورزش همگانی در تحقیق حاضر معنادار نبود و این مغایر با نتایج تحقیقات و نظریات پیشین است. سابو^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی نشان داد که خانواده‌هایی که به همراه فرزندان خود در فعالیتهای ورزشی شرکت می‌کند، سطوح بالاتری از رضایت را تجربه می‌کنند. آنتونی گیدنز^۲

^۱ Sabo

^۲ Anthony Giddens

منابع متعددی بر شکل‌دهی به سبک زندگی تعریف می‌کند که بر اساس آن جامعه شناسان بر روی چهار منبع اتفاق نظر دارند: ۱- خانواده ۲- گروه همسالان ۳- محیط آموزشی و مدرسه ۴- وسایل ارتباط جمعی (گیدنز، ۱۹۹۰). گیدنز معتقد است خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی دارای کارکردهایی چون آموزش و جامعه‌پذیر کردن فرزندان است؛ دختران با نگاه کردن به رفتار والدین از آن‌ها تقلید می‌کنند و اگر ببینند والدین به ورزش می‌پردازند، آن‌ها نیز به ورزش علاقه‌مند خواهند شد و کلیشه‌های جنسیتی در آن‌ها نسبت به ورزش کاهش پیدا خواهد کرد. اما این متغیر بر متغیر پیگیری برنامه‌های ورزشی تأثیرات افزایشی معنی‌دار چشمگیری داشته است. به این معنی که با افزایش حمایت و همراهی خانواده و دوستان پیگیری برنامه‌های ورزشی افزایش یافته است. در واقع با توجه به بررسی روابط در تحلیل مسیر حمایت خانواده و دوستان به طور غیر مستقیم رابطه دارد. ترولان^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر رسانه‌ها بر نابرابری جنسیتی در ورزش» به این نتیجه دست‌یافت که رسانه‌ها کلیشه‌های جنسیتی را ساخته و برای حفظ نابرابری جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی از طریق واژه‌ها و عکس‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. ورزش‌ها رسانه‌های جمعی را می‌فروشد و رسانه‌ها ورزش را بفروش می‌رسانند؛ بنابراین رسانه‌ها پوشش دهی مغرضانه دارند زیرا فرض بر این است که مصرف‌کنندگان آن‌ها مردان هستند. نتایج این تحقیق بیانگر نقش بااهمیت نگرش جنسیتی در ورزش همگانی می‌باشد. شناخت تاثیر متغیرهای خاص در این نوع نگرش می‌تواند در کاهش نگرش جنسیتی به ورزش موثر بوده و ارتقای ورزش همگانی را سبب شود. بنابراین طبق نتایج تحقیقات پیشین و نتایج حاصل از پژوهش حاضر نقش رسانه‌ها در ترویج نگرش‌های جنسیتی بسیار مهم است و با برنامه ریزی مناسب این روند می‌تواند به سمت مثبت گام بردارد تا زنان بیشتر به سمت ورزش همگانی هدایت شوند.

در بین متغیرهای زمینه‌ای طبق نتایج دست‌آمده رابطه معناداری بین سن و نگرش جنسیتی وجود ندارد. اما بین درآمد و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌داری از نوع معکوس با ضریب ۰/۲۵- وجود دارد یعنی با بالا رفتن درآمد خانواده افراد، میزان نگرش جنسیتی در آن‌ها با ضریب ۲۵ درصد پایین آمده است. مقدار اثر این متغیر در فرآیند تحلیل مسیر نیز نشان داد نسبت به سایر بیشترین متغیرها اثر کاهشی را بر نگرش جنسیتی به ورزش دارد. بین تحصیلات و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌داری از نوع معکوس وجود دارد یعنی با بالا رفتن تحصیلات افراد میزان نگرش جنسیتی در آن‌ها پایین آمده است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین سطح توسعه فرهنگی منطقه محل سکونت و نگرش جنسیتی رابطه معنی‌داری از نوع معکوس وجود دارد. یافته‌های دل‌بین^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نیز شواهدی را برای تعامل سطوح مختلف اجتماعی-اکولوژیکی برای توضیح رفتار پیچیده مشارکت ورزشی نشان می‌دهد. کرامر^۳ و همکاران (۲۰۱۵) نیز عوامل محیط فیزیکی را به عنوان عوامل مؤثر بر رفتار سلامت در نظر گرفته‌اند. همچنین با نتایج اسدزاد و همکاران (۱۳۹۸) همسو است آنها در پژوهشی نتیجه گرفتند برای نهادینه کردن یک امر فرهنگی

^۱ Trolan

^۲ Deelen

^۳ Kramer

مانند ورزش همگانی در جامعه در میان خانواده ها نه تنها می توان از وسایل ارتباط جمعی به طور مستقیم و غیر مستقیم استفاده کرد، بلکه باید دیگر نهادهای اجتماعی مانند آموزش و پرورش، شهرداری ها و ادارات و ... نیز را در راستای آن به کار گرفت تا بتوان در دراز مدت شاهد تغییرات اجتماعی و فرهنگی معناداری در این زمینه باشیم. نتایج بدست آمده نشان می دهد که طبقات اجتماعی بالاتر که دارای درآمد بیشتر، تحصیلات بالاتر بوده و در منطقه ای زندگی می کنند که توسعه فرهنگی بیشتری یافته است، کمتر درگیر کلیشه های جنسیتی نسبت به ورزش همگانی زنان هستند. این در حالی است که رسانه ها کلیشه های جنسیتی مرتبط با ورزش همگانی زنان را تقویت می کنند.

از آنجا که ورزش نقش مهمی در سلامت جسم و روح افراد جامعه دارد و هر جامعه ای نیازمند افراد سالم می باشد، باید نسبت به گسترش ورزش همگانی و تغییر نگرش افراد جامعه گامهای اساسی برداشته شود.

با توجه به نتایج بدست آمده در این تحقیق پیشنهاد می شود:

تلاش شود از طریق ساخت برنامه های جذاب و مفرح ورزشی (سریالها، مسابقات، تیزرهای تبلیغاتی، مصاحبه های جذاب ورزشی و ...) میزان مصرف رسانه افراد در امر ورزشی را بالا برده و از این طریق فرهنگ ورزش کردن را نهادینه کنند و آگاهی افراد را نسبت به فواید ورزش افزایش دهند. در نظر گرفتن سلیق مردمی در ساخت و تولید برنامه های رسانه ای می تواند در ترغیب مردم به توجه مضمون برنامه کمک کند. توجه هرچه بیشتر به زیرساخت های موجود در سطوح مختلف و تبلیغ مداوم و مستمر با نمایش دادن و بهره برداری از امکانات می تواند مفید باشد زیرا با وجود تبلیغات بسیار اما نبود امکانات در واقعیت باز هم منجر به ترغیب واقعی نمی شود. برگزاری نشست های تخصصی بین فدراسیون های ورزشی و مدیران محلی برای شناخت امکانات محلی و در کنار آن فرهنگ غالب محلی و تغییرات فرهنگی منطقه می تواند نیازسنجی مناسبی را منجر شود. استفاده از ظرفیت های سایر رسانه ها برای بوجود آوردن تغییر نگرش جنسیتی افراد جهت ترغیب به ورزش همگانی و همچنین برگزاری جشنواره های خانوادگی به طور مداوم و مستمر در سطح محلات در درازمدت ایجاد نوعی عادت به دیدن زنان در ورزش همگانی را منجر می شود.

منابع

۱. اسدزاده، عاطفه؛ باقری، قدرت اله؛ علیدوست قهفرخی، ابراهیم؛ صابری، علی. (۱۳۹۸). طراحی الگوی ارزیابی راهبردی برنامه های ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان تا افق ۱۴۰۴ با رویکرد پدیدارشناسی. پژوهش های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹(۱۸). ۱۰۷-۱۲۱.
۲. توسلی، افسانه، هنری، حبیب، کوشافر، افسانه. (۱۳۹۴). بررسی تفاوت هویت جنسیتی ورزشکاران زن و مرد حرفه ای کشور. رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۳(۸): ۸۲-۷۳.

۳. خان محمدی. (۱۳۹۶). دیدگاه جامعه شناختی موانع مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی " ، همایش ملی علوم انسانی ، تهران .
۴. ریاحی، محمداسماعیل. (۱۳۹۰). بررسی تفاوت های جنسیتی در میزان رضایت مندی از تصویر بدن. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۹(۳)، ۳۳-۳۵.
۵. گلنپی، مونا(۱۳۹۴)"مقایسه دیدگاه مسولان ورزش با مسولان رسانه های جمعی در خصوص پوشش رسانه های ورزش بانوان " پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مرکز شهر ری.
۶. ممتازبخش، مریم، فکور، یوسف. (۱۳۸۶). بررسی راهکارهای ارتقا و توسعه ورزش همگانی بانوان دانشگاه علوم انتظامی. دانش انتظامی. ۹(۲). ۵۳-۶۲.
۷. محبی، سیده. (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش زنان به ورزش. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهرا.
۸. قره ، محمد علی و مظفری، امیر احمد(۱۳۸۴). وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان. نشریه علوم حرکتی و ورزش ، ۱۰(۶). ۱۷۱-۱۵۱.
۹. نبوی، سیدعبدالحسین، احمدی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم گیری). مجله جامعه شناسی ایران. ۸(۲). ۵۹-۸۲.
۱۰. نظری آزاد، معصومه، طالب پور، اکبر، کاشانی، مجید. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش (از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی). زن و جامعه (جامعه شناسی زنان). ۴(۱۰) ۳۱۵-۴۰۲.
۱۱. نوذری، ولی؛ عربی، محمد؛ علم، شهرام. (۱۳۹۹). ارائه مدل عوامل موثر بر بهبود رفتار مطلوب اجتماعی زنان با تاکید بر ورزش همگانی. مطالعات روان شناسی ورزشی. ۹(۳۱). ۲۷۸-۲.
۱۲. Borgers J, Breedveld K, Tiessen-Raaphorst A, Thibaut E, Vandermeersch H, Vos S, et al. (۲۰۱۶) A study on the frequency of participation and time spent on sport in different organisational settings. European Sport Management Quarterly. Taylor & Francis; ۴۷۴۲: ۱-۲۰.
۱۳. Borgers, J., Pilgaard, M., Vanreusel, B., & Scheerder, J. (۲۰۱۸). Can we consider changes in sports participation as institutional change? A conceptual framework. International review for the sociology of sport, ۵۳(۱), ۸۴-۱۰۰.

14. Deive FP, Osborne R, Silva ER, Ferreira RC, Saint Clair E, Nery LCP. Estudos de gênero na educação física brasileira. *Motriz Rev Educ Fis* 2011;17(1):93-103. Doi: <http://dx.doi.org/10.5016/1980-6574.2011v17n1p93>.
15. Deelen I, Ettema D, Kamphuis CBM (2018) Sports participation in sport clubs, gyms or public spaces: How users of different sports settings differ in their motivations, goals, and sports frequency. *PLoS ONE* 13(10): e0205198.
16. Eime RM, Sawyer N, Harvey JT, Casey MM, Westerbeek H, Payne WR (2015). Integrating public health and sport management: sport participation trends 2001–2010. *Sport Management Review*;18: 207–217.
17. Giddens, A. (1990), *The Consequences of Modernity*, Stanford, Calif, Stanford University press.
18. Kramer D, Stronks K, Maas J, Wingen M, Kunst a. E. (2015) Social neighborhood environment and sports participation among Dutch adults: does sports location matter? *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*;25: 273–279. pmid:24506213
19. Kokolakis, T. and Hallam, S(2011). " Analysis of the determinants of sports participation in Spain and England", *The Journal of Applied Economics*, Vol. 1, Pp: 1-32.
20. Palm, J., And Wolfyang, B., (2000). Sport for all as Departure into the Unknown Lands of Sport, Heusenstamm, Germany
21. Sabo, D. & Veliz, P., (2008). Go out and play, Youth sport in america , womens sportfoundation
22. Trolan, E. J. (2013). "The impact of the media on gender inequality within sport". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 91, 215-227.
23. Vianna, A. J. C., Gonçalves, A. J. S., Moura, D. L., & Mourão, L. N. (2021). School physical education in formation of identities of women practicing collective sports. *Journal of Physical Education* , 32(1), e-3222.

